

مبانی جرم انگاری اماکن و مراکز فساد و فحشا در سیاست جنایی ایران

کریم داداش پور^۱

چکیده

جرم انگاری عملی سنجیده و برخاسته از خرد جمعی است و شکل گیری آن نیازمند اصول و ضوابطی است. به طور کلی در این باره می توان از چهار ضابطه یاد کرد: اصل زیان، پدرسالاری، اخلاق گرایی قانونی و کمال گرایی قانونی. بهره گیری از این ضوابط به اندیشه های سیاسی و فرهنگی حکومت ها بستگی دارد و هریک از آنها از دل اندیشه سیاسی و فرهنگی متناسب با خود می روید. از این رو، شناخت هریک از این ضوابط، مستلزم شناخت زمینه های آن است. تاسیس و دایر کردن اماکن و مراکز فساد و فحشا، اصول اخلاقی و عفت عمومی و خصوصی جامعه و افراد جامعه را مختل می نماید و به جهت تعرض به حیات مادی و معنوی انسان ها از اهمیت خاصی برخوردار است. که از دیرباز حکومت ها به اینگونه جرم از جرایم منافی عفت توجه ویژه ای داشته و آن را مورد جرم انگاری قرار داده است. در کشور ما قانون گذار به جرم انگاری این جرم از دو منظر حقوقی و فقهی پرداخته و مجازاتی را برای این جرم تعیین نموده است. در مقاله حاضر به معیارهای نظری و فقهی جرم انگاری مقنن ایران در سیاست جنایی ایران، با استفاده از روش کتابخانه ای و توصیفی و تحلیلی می پردازیم و به سوال اصلی مقاله که مبانی و معیارهای فعلی جرم انگاری اماکن و مراکز فساد در ایران، موجب توجیه افراد و شهروندان نسبت به پست و ناپسند و گناه و جرم دانستن دایر کردن اماکن و مراکز فساد و فحشا می گردد؟ و هدف مشخص ساختن علل چرایی جرم انگاری اماکن و مراکز فساد در جامعه ایران، و با این فرضه که بدلیل مسامان بودن مردم کشور ایران، مقنن ایران در بحث جرم انگاری اماکن و مراکز فساد از اصول جرم انگاری اسلام تبعیت می کند.

واژگان کلیدی: جرم انگاری، سیاست جنایی، اماکن و مراکز فساد، اصل ضرر، حمایت گری قانونی.

۱- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی karimdadashpuor@yahoo.com

مقدمه

مبانی جرم‌انگاری بخشی از فلسفه حقوق و یکی از مسایل بنیادی در حقوق کیفری است، که پاسخ‌های اساسی در مورد علت جرم دانستن برخی از رفتار هادر این قسمت بیان می‌شود. بدون شک تشریح مبانی هر قانون و بیان ملاک و معیارهای وضع آن، نقش مهمی در ایجاد باور و اعتقاد به آن دارد، و موجب پذیرش قلبی آن از سوی مردم خواهد شد؛ زیرا زمانی که فرد به آثار و فواید واقعی اوامرو نواهی قانون‌گذار پی ببرد و یقین نماید که در تشریح قوانین، چیزی جز مصلحت فرد و جامعه در نظر نبوده است، اطاعت از قانون را با اهتمام و رغبت بیشتری بر خود واجب می‌داند.

با مشخص شدن آثار مخرب و انکار ناپذیر اماکن فساد در رسیدن به توسعه پایدار و استمرار حکمرانی خوب، مبارزه و کنترل این پدیده شوم به تریج به اولویت اساسی برنامه‌های حکومتی تبدیل شده است. انسان از گذشته‌های دور در جرایم جنسی همواره سعی کرده شدیدترین کیفر را برگزیند. تاسیس و دایر کردن اماکن و مراکز فساد و فحشا که امروزه در دنیا، در قالب تجارت صورت می‌گیرد، یکی از سودآورترین و درآمد‌های غیر قانونی است. با این وجود در تعریف این جرم می‌توان گفت: تاسیس و اداره هر محلی که در آن شرایط و امکانات انجام، و گسترش اعمال ضد عفت و اخلاق عمومی فراهم باشد.

جرم‌انگاری تصمیم مرجع صلاحیت‌دار در جهت ممنوعیت یا الزام بر انجام رفتاری است که برای تخلف از آن، کیفر در نظر می‌گیرد. از این تعریف، به روشنی آشکار می‌شود که جوهر جرم‌انگاری، تحدید حقوق و آزادی انسان است و ناگزیر نیازمند اصول و ضوابطی است تا این تحدید را توجیه کند. سوال اصلی این پژوهش آن است که آیا مبانی و معیارهای فعلی جرم‌انگاری اماکن و مراکز فساد در ایران، افراد و شهروندان را نسبت به پست و ناپسند و گناه و جرم دانستن دایر کردن اماکن و مراکز فساد و فحشا و خدمت و عضویت در آن توجیه می‌کند یا خیر؟ و هدف اصلی از نگارش و جمع‌بندی این مقاله مشخص ساختن علل چرایی جرم‌انگاری اماکن و مراکز فساد در جامعه ایران می‌باشد.

مطالعه بحث‌های فلسفه‌های سیاسی و فلسفه حقوق و نیز تحلیل قوانین کیفری نشان می‌دهد که به‌طور کلی قانونگذاران ایران که از معیارهای جرم‌انگاری اسلام در رابطه با جرایم جنسی و دایر کردن اماکن فساد تبعیت می‌کنند از منظر نظری و حقوقی برپایه اصل زیان و سه‌نگرش «پدرسالاری»، «اخلاق‌گرایی» و «کمال‌گرایی»، به جرم‌انگاری دست می‌زنند و البته نگاهی نیز به مصلحت جامعه دارند. براساس اصل

زیان، رفتارهایی باید جرم‌انگاری شود که باعث‌زیان به فرد یا جامعه می‌شود. طبق نگرش پدرسالاری، فرد نه تنها حق ندارد به دیگران آسیب برساند، بلکه به خود نیز نمی‌تواند آسیب برساند و حکومت همانند پدر نسبتبه فرزند، مانع زیان رساندن شخص به خودش می‌شود. براساس اخلاق‌گرایی، علاوه بر رفتارهای زیان‌آور، اعمالی که باعث از هم‌گسیختگی انسجام اخلاقی جامعه و تجاوز به ارزش‌های اخلاقی می‌شود نیز باید جرم‌انگاری شود. بنا بر کمال‌گرایی، علاوه بر ایندو مورد، باید رفتارهایی را که باعث سقوط معنوی و آسیب به فضیلت‌های اخلاقی فرد می‌شود، جرم‌انگاری کرد تا از این رهگذر باعث کمال معنوی او شد. و از منظر فقهی برپایه آیات قرآن، احادیث، روایات، فتوا و استفتائات مراجع تقلید و علما، همچون: حرمت قیادت و گناه بودن حضور در مجالس لهو و لعب و حرمت دایر کردن قمار خانه و شرابخانه در اسلام و... به بررسی این جرم پرداخته و جرم‌انگاری نموده و مجازاتی را بر اساس نوع و میزان زیان آن به جامعه اسلامی تعیین می‌نمایند که در پژوهش حاضر به بررسی این مبانی و معیارهای جرم‌انگاری و جرم‌شناختی اماکن و مراکز فساد اشاره می‌گردد.

مبانی جرم‌انگاری اماکن و مراکز فساد

جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن قانونگذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند بر این اساس، جرم‌انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیر ساختی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است (آقابابایی، ۱۳۸۴، ص ۱۲ - ۱۱). که این مبانی جرم‌انگاری به دو دسته: الف) مبانی نظری و حقوقی، ب) مبانی فقهی تقسیم می‌شوند.

۱- مبانی نظری جرم‌انگاری اماکن و مراکز فساد

مبانی نظری جرم‌انگاری اماکن و مراکز فساد و فحشا که نقش مهمی در توجیه جرم دانستن و برخورد با این چرایی جرم‌انگاری اینگونه مراکز دارد، به شرح ذیل می‌باشد:

الف) ضرورت حفظ ارزش‌های اخلاق و کرامت انسانی

بدون تردید از دید اسلام، انسان موجودی ارزشمند و شریف است. خداوند متعال در آیه‌های فراوانی از قرآن کریم به این امر اشاره کرده است. در قرآن کریم خداوند را برای به خاطر آفریدن انسان «احسن

الخالقین» (مومنون/۱۴) نام نهاده است و هنگام بیان نقشه خلقت انسان به فرشته ها، از او به عنوان خلیفه و جانشین خود یاد کرده است (بقره/۳۰)، و فرشتگان رابه سجده و کرنش در برابر او امر نموده است (بقره/۳۴)، وقتی بر کرامت و ارزش ذاتی انسان، تصریح نموده است (اسرا/۷۰) خداوند برای نشان دادن هرچه بیشتر مقام و ارزش انسان، خطاب به ابلیس می فرماید «چه چیز مانع تو شد تادر برابر آنچه که با دو دست خویش افریده ام، سجده نکردی» (ص/۷۵). این تعبیر، یعنی: انسان با دو دست خدا، نشان دهنده ان است که انسان گوهری ارزشمند است؛ زیرا این تعبیر هنگامی به کار می رود که در انجام کاری احترام ویژه ای منظور شده باشد. از این رو می توان گفت، یکی از معیارها و ملاک های اصلی که شارع مقدس اسلام در ایجاد عناوین مجرمانه مد نظر قرار داده است، توجه و عنایت به ارزش های اخلاقی و رعایت حرمت ان ها بوده است. ان دسته از رفتار های جنسی که در شریعت مقدس اسلام ممنوع و جرم تلقی شده اند با ارزش ها و فضایل اخلاقی در تغایر می باشند؛ به گونه ای که هر صاحب ذوق سلیم به این امر گواهی می دهد. خداوند متعال نیز در تعلیل جرم انگاری این جرایم به این مطلب اشاره کرده و در قران کریم درباره عمل شنیع زنا می فرماید: "به زنا نزدیک نشوید؛ «چه ان کاری بس زشت و بد راهی است.» (نور، آیه ۱۲ و نساء، آیه ۱۴) «فاحشه» در اغت عرب به چیزی اطلاق می شود که قبیح و زشتی ان بسیار بوده و فوق العاده مذموم است (راغی اصفهانی، بی تا، ص ۳۷۳). این تعبیر در ایه شریفه نشانگر قباح و نهایت زشتی این عمل است. اگر قران مجید علت جرم انگاری زنا را در برخی از مفسد اجتماعی ان ذکر می کرد، ممکن بود جنبه های اخلاقی این عمل و قبیح ذاتی ان نادیده گرفته شود؛ از این رو حتی اگر بر فرض بتوان همه اثار منفی این عمل (از قبیل: اختلاط نسل، امراض جنسی و جسمی، و اختلال در نظم عمومی) را از میان برداشت، ولی قبیح ذاتی و غیر اخلاقی بودن ان را نمی توان از بین برد. در مورد عمل نا پسند و زشت لواط نیز قران مجید در آیات متعدد ان را «فاحشه» (عنکبوت/۲۸؛ اعراف/۸۰) و عملی «خبیث» (انبیا/۷۴) دانسته است که این تعابیر قباح و زشتی ذاتی عمل را به خوبی ثابت می نماید ((فلاحی، ۱۳۸۲، ص ۶۶-۱۱).

ب) حفظ کیان خانواده

نهاد مقدس خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه اسلامی و اصلی ترین رکن ان در شریعت مقدس اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده و دارای اهمیت فراوانی است. قران کریم افرینش همسر برای انسان را یکی از نشانه های الهی دانسته و می فرماید «و از نشانه های الهی این است که همسرانی از جنس خودتان برای

شما افریده، تادر کنار ان ها آرامش یابید؛ و در میانتان مو دت و رحمت قرار داد» (روم/۲۱) و (فلاحتی، ۱۳۸۲، ص ۴۲). در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، با الهام از مبانی اصیل اسلام، آمده است: «از انجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت اسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست ان و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» در مقررات جزایی اسلام نیز، ان جا که عمل مجرمتنه ای به اساس و استحکام این نهاد مقدس لطمه و خئشه وارد نماید باشدت و حدت بیشتری با ان بر خورد شده است (فلاحتی، ۱۳۸۲، ص ۶۶-۱۱).

به راستی این همه عنایت و توجه ویژه به نهاد خانواده به خاطر چیست؟ چون خانواده پایه و اساس هر جامعه ای را تشکیل می دهد و سلامت و قوام خانواده به عنوان هسته اولیه تشکیل ساختمان جامعه، نقش بسزایی در سلامت و قوام اجتماع خواهد داشت. «تاریخ نشان می دهد که همیشه ملت های قوی تر بوده اند که خانواده، اساس محکم تری در ان ها داشته است؛ و انحطاط هر قوم از زمانی شروع شده که در مبانی خانواده های ان قوم، سستی و پستی رسوخ کرده است.» (کاتوزیان، ۱: ۱۳۷۱، ص ۷).

مهم ترین چیزی که این ویژگی اساسی رامخدوش نموده و زمینه رابرای اتهدام خانواده فراهم می سازد، زنا و روتبط نامشروع است. روابط نامشروع جنسی، به سان موربانه ای تار و پود مهر و محبت زن و شوهر را خورده و آن را از درون متلاشی می سازد. مطابق بررسی های به عمل آمده در برخی از کشورها، درصد قابل توجهی از دلایل طلاق و فروپاشی خانواده ها مربوط به خیانت زوجین به یکدیگر و روابط نامشروع بوده است (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۹۴). باید توجه داشت که، همانگونه که روابط نامشروع جنسی در انهدام و فروپاشی خانواده ها موثر است، در جلوگیری از تشکیل خانواده ها نیز نقش بسزایی دارد در نتیجه گسترش فحشا یکی از علل کاهش ازدواج است (سبحانی، ۱۳۶۰: ج ۱/ص ۹۴) با جرات می توان گفت که ایجاد چنین وضعیتی، نتیجه بارز آزادی های جنسی است که به طور طبیعی انگیزه برای تشکیل خانواده را به حداقل می رساند.

تاثیرات سوء همجنس بازی زنان و مردان نیز بر کانون خانواده، روشن و بی نیاز از هر توضیحی است و در این زمینه نمونه های عینی نیز وجود دارد که همجنس بازی موجب فروریختن بنیان خانواده گردیده است (گودرزی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰۷).

پ) حفظ سلامت انسان

نعمت ارزشمند سلامتی یکی از بزرگترین نعمت‌هایی است که خداوند به انسان عطا نموده است تا با داشتن جسم و روحی سالم، در انجام تکالیف و دستورات الهی موفق بوده، و در مسیر تکامل قدم بردارد. یکی از آثار شوم روابط جنسی نامشروع به مخاطره انداختن سلامت انسان و آلوده کردن او به انواع بیماری‌ها می‌باشد. شیوع بیماری‌های مقاربتی از قبیل: سفلیس، سوزاک، هپاتیت و شانکر در اثر بی-بندوباری جنسی گریبان‌گیر جامعه می‌گردد؛ که آمارهای زیادی نیز در این زمینه از سوی مجامع تحقیقاتی و پزشکی ارائه شده است (عمید زنجانی و دیگران، ۱۳۴۸، ص ۱۱۳؛ مرزوقی، ۱۳۴۴، ص ۸۶). بیماری ایدز که طاعون قرن نام گرفته و با کوشش و تلاش پزشکان و صرف مخارج هنگفت، هنوز علاج کاملی برای آن پیدا نشده و در نهایت بیمار را به کام مرگ می‌کشاند (گودرزی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۳۰۸). یکی از عوامل آن این است که در اثر زنا و آزادی روابط جنسی به وجود می‌آید که امار بالای مبتلایان به ایدز در کشورهای آزادی جنسی بیشتری وجود دارد و تعهدات و قیودات اخلاقی کمتر مراعات می‌گردد دلیلی بر این ادعا است (بار، ۱۹۹۶م، ص ۱۰).

ت) اصل ضرر

به عبارت بهتر اصل عدم ضرر است. بر این اساس تنها رفتارهایی باید از طرف جامعه ممنوع و با مجازات مواجه شود که ضرر مادی و خارجی به افراد دیگر می‌رساند. این مبنای جرم‌انگاری، ریشه در اندیشه‌های فیلسوف مشهور قرن هیجدهم «جان استوارت میل» دارد، وی برای اولین بار به تنقیح مبانی این رویکرد همت نهاد و با این مبنا به نقادی ساختار حقوقی و دایره امور ممنوع پرداخت (جتن استوارت میل، ۱۳۸۵: ۲۹۰). در این دیدگاه دولت تنها زمانی می‌تواند آزادی‌های شهروندان را تهدید نماید که رفتارهای اشخاص به سایرین آسیب رساند (برهانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

ث) اصل حمایتگری قانونی

حمایتگری قانونی عبارت است از «محدود کردن آزادی فرد به خاطر مصلحت خود مرتکب است، یعنی برای محافظت خود از برخی آسیب‌های جسمانی یا روانی، قانون به تهدید آزادی‌های وی می‌پردازد و نقض این ممنوعیت‌ها را با مجازات پاسخ می‌دهد». بر اساس این اصل دولت در مقام دفع از حقوق

شهروندان برمی آید و با ممنوعیت برخی رفتارها به ایشان اجازه نمی دهد که به خویشتن آسیب برسانند یا با ایجاد برخی تکالیفها و مسئولیتها، افراد را ملزم می سازد به خود سود برسانند و بر ترک چنین تکلیفی مجازات مقرر می نماید. تا سایر افراد جامعه از آسیب های احتمالی آنان مصون بمانند(برهانی، ۱۳۸۸، ص ۲۰).

ج) اصل اخلاق گرایی قانونی

اخلاق گرایی قانونی رویکردی است که زیان رساندن شخص به دیگران یا ضرر زدن فرد به خود را تنها ملاک انحصاری جرم انگاری نمی داند. چرا که اصل عمل مذموم و مغایر با معیارهای برتر افراد جامعه و منافع ایشان می باشد. دین و اخلاق، انسان را ملزم به مقابله با بی بندوباری در حد امکان می نماید. انگیزه ها و اهداف متفاوت دینی و اخلاقی برای منع برخی از رفتارهای جنسی مطرح می شود؛ چنین منعی پیش شرط تحقق فضاهایی چون عفاف در جامعه تلقی می شود، برای دفاع از نهادهایی چون خانواده ضروری است یا آزادی جنسی و افراط دران در مقابل باکمال انسانی دانسته می شود. به طور کلی براساس دیدگاه اخلاق گرایی قانونی، عمل ضد اخلاقی، رفتاری مستوجب مجازات است، زیرا در تقابل با ارزش های بنیادین و برتری هستند که برای حیات انسانی ضروری شده اند. دولت در دیدگاه اخلاق گرایی قانونی، تنها در مقام دفاع از منافع فرد یا افراد نیست؛ بلکه علاوه بر این منافع، برخی از ارزش ها از چنان اهمیتی برخوردار هستند که دولت با ابزار جرم انگاری به دفاع از آن ها بر می خیزد. لذا می توان به جرم انگاری اماکن و مراکز فساد پرداخت و باممنوعیت قانونی به دفاع از معیار های اخلاقی همت گمارد(برهانی، ۱۳۸۸، ص ۲۲).

۲- مبانی فقهی جرم انگاری اماکن و مراکز فساد

علاوه بر مبانی نظری که برای اماکن و مراکز فساد برشمردیم، مبانی فقهی و شرعی نیز برای جرم دانستن و حرام بودن دایر کردن و رفتن به اینگونه مراکز وجود دارند که ادامه بحث به برخی از آن ها اشاره می گردد:

الف) ممنوعیت حضور در مجالس گناه و لهو و لعب

همان گونه که ارتکاب عمل حرام جرم محسوب می شود و عقوبت اخروی دارد، حاضر شدن در مجلس ارتکاب اعمال حرام نیز جرم و گناه شمرده شده و عذاب اخروی دارد. در قرآن کریم، حاضر نشدن در مجلس گناه و اعراض از لغو، یکی از صفات پسندیده مؤمنان و بندگان صالح خدا معرفی شده است. در این جا به نقل چند روایت اکتفا می شود. (فرقان، ایه ۷۲).

۱- روایات درباره شرکت در مجالس گناه

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود:

لا ینبغی للمؤمن ان یجلس مجلساً یعصی الله فیه، و لا یقدر علی تغیره؛

برای مؤمن جایز نیست در مجلسی بنشیند که در آن معصیت خدا می شود و او قدرت بر (نهی از منکر کردن و) تغییر دادن آن را ندارد. (فروع کافی، ج ۲، ص ۳۷۴) در حدیث «صحیح» علی بن جعفر می گوید: از برادر امام موسی کاظم (ع) پرسیدم: آیا نزد کسی که آوازخوانی می کند، می توان نشست؟

فرمود: «لا؛ نه». (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۲، ابواب ما یکتسب به، باب ۹۹، حدیث ۳۲).

از امیرمؤمنان علی (ع) روایت شده که فرمود:

مجالسه اهل اللهو ینسی القران، و یحضر الشیطان؛

همنشینی با اهل لهو و گناه، موجب فراموشی قرآن و حضور شیطان می شود. (میزان الحکمه، ج ۸، ص ۵۳۲، حدیث ۱۸۰۴۷)

بدیهی است که منظور از فراموشی قرآن، فراموشی قرائت آن نیست، بلکه مراد فراموشی عمل به احکام نورانی قرآن است که شرکت کنندگان در مجالس لهو از آن محروم می باشند و منظور از حضور شیطان نیز تسلط شیطان بر اهل مجالس لهو است هر دو اینها (نسیان قرآن و حضور شیطان) از عوامل نابودی ایمان می باشد، هم چنان که: در حدیث دیگر از آن حضرت می خوانیم: «مجالس اللهو تفسد الایمان؛ مجالس لهو، ایمان را فاسد می گرداند.» (میزان الحکمه، ج ۸، ص ۵۳۲، حدیث ۱۸۰۴۷)

لهو و شرکت در مجالس لهو، نه تنها ایمان را فاسد می کند، بلکه هر تصمیم جدی را سست و متزلزل می کند، هم چنان که در روایت دیگر از آن حضرت آمده است:

«اللهو یفسد عزائم الجد؛ کارهای لهو و بیهوده، تصمیم های جدی را نابود می کند.» (جلوه های حکمت، ص ۴۰۰، به نقل از غرر الحکم).

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود:

لاتجوز شهادة المتهم، و لاولد الزنا، و لا الابصر، و لاشارب الخمر، و لاالذین یجلسون مع البطالین و المغنین، و اهل المنکر فی مجالس المنکر...؛

گواهی افراد زیر، در دادگاه مورد قبول نمی باشد:

متهم (کسی که در همان پرونده مورد گواهی، متهم باشد)؛ زنا زاده، کسی که به مرض «برص» مبتلا باشد؛ شرابخوار، کسانی که با اهل باطل و آوازخوانان و اهل فسق و فجور، در مجالس گناه شرکت نمایند. (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۱۲، حدیث ۱۸۳۶)

در این حدیث، شرکت در مجلس گناه نیز همانند شراب خواری از عوامل فسق و از دلایل مردودی شهادت مرتکب آن معرفی شده است. در حدیثی می خوانیم: شخصی از امام صادق (ع) درباره غنا و آواز خوانی سؤال کرد. امام فرمود:

لاتدخلوا بیوتاً لله معرض عن اهلها؛

به خانه هایی که خدا از اهل آنها اعراض دارد، داخل نشوید. (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۶، ابواب ما یکتسب به، باب ۹۹، حدیث ۱۲).

ملاحظه می فرمایید که در این احادیث، از شرکت در مجالس گناه نهی شده است که مجلس غنا و موسیقی نیز یکی از مجالس گناه محسوب می گردد و در برخی از آنها، بر ممنوعیت شرکت در مجالس غنا و موسیقی تصریح شده است. از این رو، فقهای اسلام، بر حرمت شرکت در مجالس شرکت در مجالس گناه فتوا داده اند.

–فتاوی فقها درباره شرکت در مجالس گناه

با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین (ع) که به برخی از آنها اشاره شد، فقهای اسلام به حرمت شرکت در مجالس گناه فتوا داده اند که در این جا به نمونه هایی از آنها اشاره می شود:

. شیخ طوسی (قدس سره) (متوفای ۴۶۰ هـ ق):

اگر کسی را به مجلسی دعوت کنند و او بداند که در آن مجلس، منکراتی از قبیل شراب خواری، نواختن آلات موسیقی و... وجود دارد، رفتنش به آن مجلس جایز نیست، ولی اگر بداند که در صورت حضور در مجلس می تواند منکرات را از بین ببرد، مستحب است حاضر شود تا بدین وسیله میان اجابت دعوت و نهی از منکر، جمع کرده باشد. (مبسوط، ج ۴، ص ۳۲۲ و ۳۲۳)

۲. قاضی ابن براج (قدس سره) (متوفای ۴۸۱ هـ ق) نیز شبیه کلام شیخ طوسی را در کتاب مهذب، بیان فرموده است (مبسوط، ج ۴، ص ۳۲۲ و ۳۲۳)

۳. ابن ادریس حلی (متوفای ۵۹۸ هـ ق) در مقام بیان اعمال حرام می نویسد:

والحضور فی مجالس المنکر ومواضعه، الا لانکاره، او ما جرى مجرى ذلك؛

از جمله کارهای حرام، حاضر شدن در مجالس گناه و موارد مربوط به آن است، مگر این که به قصد نهی از منکر یا اعمال لازم دیگری باشد. (السرائر، ج ۲، ص ۲۱۵)

۴. علامه حلی (متوفای ۷۲۶ هـ ق) در مقام بیان احکام ولیمه می نویسد:

يشترط ان لا يكون في الدعوه منا كير و ملاهى، مثل شرب الخمر على المائدة و ضرب العود و البرابط والمزامير، و غير ذلك. و لو علم فلا يجوز له حضورها الا ان يعلم انه اذا حضر ازال المنكر من غير تضرر له و جب عليه الحضور... افن لم يتمكن من الازاله لم يجز له الحضور؛ لانه كالرضا بالمنكر، والتقرير عليه؛ در جواز قبول دعوت به ولیمه شرط است که در آن مجلس کار حرام در مجلس مطلع باشد، حضور در آن مجلس برایش جایز نیست، مگر این که بداند در صورت حضور می تواند - بدون این که متضرر شود - جلو گناه را بگیرد، در این صورت حضور در مجلس برای او واجب می شود، ولی اگر قدرت جلوگیری از گناه را ندارد، حاضر شدن او در آن مجلس حرام است، زیرا حضور در مجلس گناه [بدون نهی از منکر] به منزله رضایت بر گناه و تأیید آن است. (تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۵۷۸)

ملاحظه می فرمایید که علامه حلی، در صورت امکان جلوگیری از گناه، حضور در مجلس را واجب دانسته است. بدیهی است که این وجوب حضور از جهت دعوت به ولیمه نیست، بلکه از جهت وجوب نهی از منکر است؛ زیرا خود علامه چند سطر پیش از این مطلب، فرموده است که اجابت دعوت به ولیمه واجب نیست، بلکه مستحب است. (تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۵۷۸)

۵. شهید اول (قدس سره) (شهید ۷۸۶ هـ ق) در کتاب دروس، ضمن بیان برخی از محرمات می‌نویسد: والاحضور فی مجالس المنکر لغیر الانکار او الضروره (از جمله محرمات اسلام) حاضر شدن در مجالس گناه است، مگر این که برای نهی از منکر یا ضرورت دیگر باشد (میراث فقهی ۱، ج ۳، ص ۱۸۳۰).

ب) حرمت مشروبات الکلی و میگساری در اسلام

حضرت امام رضا (علیه السلام) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده که فرموده اند: هر قسم مشروبات الکلی که از نوشیدنش عقل تغییر می‌کند، زیاد و کمش حرام است.

حضرت امام صادق (علیه السلام) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حدیث کرده اند: که هر چیز مست‌کننده حرام است و چیزی که زیادش مست می‌کند کمش نیز حرام است. راوی حدیث سوال کرد آیا حرام کم را آب زیاد حلال می‌کند؟ حضرت دوبار کف دست خود را حرکت داد که نه نه. (کافی، ص ۴۰۸ و ۴۰۹) حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: هر ماده‌ی سکر آور حرام است. راوی می‌گوید پرسیدم بهر مقدار باشد ممنوع است؟ فرمودند: بلی یک جرعه‌ی آن هم حرام است. (کافی ۶، ص ۴۰۸ و ۴۰۹) حضرت امام رضا (علیه السلام) فرموده اند: خداوند شراب را حرام کرده برای آنکه منشأ فساد اجتماعی است. عقل را از درک حقایق باز میدارد، حیا را از شرابخور می‌برد و در مواجهه با مردم، شرم نمیکند و با این همه باعث بیماری نهانی در اعضا داخلی می‌شود. (کافی ۶، صفحه ۴۰۵).

نظر آیت الله مکارم شیرازی درباره مشروبات الکلی

۱ - نوشیدنی‌های حاوی الکل

مصرف غذاها یا مایعاتی که به طور طبیعی مقدار بسیار کمی از آن را الکل تشکیل می‌دهد مانند سرکه و یا آبجو بدون الکل چه حکمی دارد؟

هرگاه صدق مشروبات الکلی بر آن نکند اشکالی ندارد.

۲ - نگهداری مشروبات الکلی

به نظر مبارک نگهداری مشروبات الکلی چه حکمی دارد؟

حرام است و موجب تعزیر می باشد، مگر در مواردی که غرض مهمی باشد یا بخواهند آن را تبدیل به سرکه کنند.

۳- شرکت در مجالسی که شرب خمر می شود

آیا رفتن به مجالسی که در آن مشروبات الکلی مصرف و موسیقی پخش می شود، جایز است؟ جایز نیست.

۴- حاضر کردن مشروبات الکلی برای کسانی که آن را حلال میدانند

آیا برای زن مسلمان جایز است مشروب روی میز غذا خوری بگذارد، تا کسانی که آن را حلال می دانند مصرف کنند؟ جایز نیست، مگر در موارد ضرورت.

پ) حرمت دایرکردن قمارخانه در اسلام

قماربازی به چهار دلیل حرام است:

الف) عقل: از نظر عقلی، هر عملی که باعث تهییج و تحریک اعصاب گردد، کینه و دشمنی به وجود آورد و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی زیانباری به دنبال داشته باشد، جایز نیست.

ب) اجماع: علمای شیعه و سنی بالاتفاق بر حرمت قمار اجماع دارند و احدی از آنان به جواز فتوا نداده است (مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۶۸؛ مکاسب محرمة (چاپ تبریز)، مسئله ۱۵، ص ۴۷). از نظر فقهای شیعه حتی آموزش قمار، ساختن وسایل قمار و خرید و فروش آن نیز حرام است. حرمت قمار یکی از ضروریات دین به شمار می رود و منکر آن از اسلام و جماعت مسلمین بیرون است. (مفتاح الکرامه، ج ۲، ص ۵۶، تذکره علامه، ج ۱، ص ۵۸۲).

پ) کتاب: قرآن مجید صریحاً بر حرمت قمار تأکید کرده است، که ما در این جا به دو آیه بسنده می کنیم:

الف) یسئلونک عن الخمر والمیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما (بقره، آیه ۱۹) از شراب و قمار از تو می پرسند، بگو: در آن دو، گناهی بزرگ و منافی برای مردم وجود دارد و گناهشان از سودشان بیشتر است.) از عبارت (اثم کبیر) برمی آید که شراب و قمار گناهی بزرگ است.

ب) یا ایها الذین آمنوا انما الخمر والمیسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون؛ (مائده، آیه ۹۰) ای کسانی که ایمان آورده اید، تحقیقاً شراب و قمار و بت ها و تیرهای قرعه، از

اعمال پلید شیطانی است؛ پس دوری کنید، شاید رستگار شوید). این آیه سعادت مادی و معنوی بشر را در گرو پرهیز از قمار و شراب دانسته است. آن گاه در آیه بعد به گوشه ای از حکمت حرمت آن دو عمل پرداخته و می‌فرماید: (بدون تردید شیطان می‌خواهد از طریق شراب و قمار، در میان شما دشمنی و تفرقه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و اقامه نماز باز دارد). از این دو آیه نکات حکیمانه ای فهمیده می‌شود؛ از جمله اینکه قمار، کاری بسیار زشت و پلید است به طوری که در ردیف میگساری و بت پرستی آورده شده است. دیگر اینکه باعث گسترش دشمنی و تفرقه در میان جامعه است، چرا که ثروت باد آورده و بدون زحمت، دشمنی اطرافیان را برمی‌انگیزاند و پیوندهای اجتماعی را قطع می‌نماید. از همه مهم تر باعث غفلت از خدا و اقامه نماز می‌شود. قماربازان به امید بردن مال بیشتر و یا جبران اموالی که باخته اند، گذشت زمان را فراموش می‌کنند تا آن جا که نمازشان قضا شده و خدا فراموش می‌شود. به علاوه اینکه در دل بازنده، بغض و نفرت از فرد برنده آشیا نه می‌کند و تا انتقام نگیرد و یا خودکشی نکند، آرام نمی‌گیرد. از جانب دیگر هر (بردی) برای برنده، شوق و حرص بیشتری ایجاد کرده تا از این طریق به چپاول اموال دیگران ادامه دهد.

ت) سنت: به فرموده علامه طباطبائی(ره)، روایات شیعه و سنی درباره حرمت قمار به قدری زیاد است که از حد شمارش بیرون است. (المیزان، ج ۶، ص ۱۳۷).

ث) حرمت خمر و میسر

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا (بقره، آیه ۲۱۹).

درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند، بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است و گناهشان از سودشان بزرگتر است.

ج) حرمت ازلام و قرعه

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ ... وَ أَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ (المائدة، ۹۰-۹۱). بر شما حرام شده است: مردار و خون ... و نیز قسمت کردن شما [چیزی را] به وسیله تیرهای قرعه (که برای قمار استفاده می‌شده). یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا

يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (النساء، ۲۹) «ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلید و از عمل شیطانند. پس از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما دست بر می دارید؟»

الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَنْمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْمَيْسِرُ؟ قَالَ: كُلُّ مَا تُقَوِّمَرَبِهِ حَتَّى الْكِعَابُ وَالْجَوْزُ. قِيلَ: فَمَا الْأَنْصَابُ؟ قَالَ: مَا ذَبَّحُوهُ لِآلِهَتِهِمْ. قِيلَ: فَمَا الْأَزْلَامُ؟ قَالَ: قِدَاخُهُمُ الَّتِي يَسْتَقْسِمُونَ بِهَا (میزان الحکمه حدیث: ۱۷۲۱۸) هنگامی که خداوند آیه «انما الخمر و المیسر» را بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل کرد از ایشان درباره میسر پرسیدند، حضرت فرمود: هر چیزی، حتی تاسهای تخته نرد و گردو، که با آن برد و باخت شود. عرض شد: «انصاب» چیست؟ فرمود: آنچه برای خدایانشان ذبح می کردند. عرض شد: «ازلام» چیست؟ فرمود: تیرهایی که به وسیله آنها، قرعه می انداختند.

الإمام علی عليه السلام: كُلَّمَا أَلْهَى عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ .

هر چیزی که از یاد خدا غافل گرداند، آن چیز در شمار میسر است. (میزان الحکمه حدیث: ۱۷۲۱۷).

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الشَّطْرَنَجَ وَ النَّرْدَ وَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ وَ كُلَّ مَا قَوْمَرَعَلَيْهِ مِنْهَا فَهُوَ مَيْسِرٌ . (میزان الحکمه حدیث: ۱۷۲۲۴).

شطرنج و نرد و سه پر (سه در) و هر چیز دیگری که با آنها برد و باخت شود، میسر است.

ت) حرمت قیادت در اسلام

علمای فقه، عموماً به تبع اهل لغت «قیادت» را در همان معنای استعاری به کار برده اند؛ لکن در مدلول آن اختلاف قابل توجهی میان ایشان دیده می شود. به گونه ای که جمعی مدلول آن را فقط جمع بین زن و مرد می دانند، عده ای آن را به جمع بین مردان هم تسری داده و برخی دیگر جمع بین زنان را هم از آن استفاده کرده اند. اگرچه ظاهراً اقتصار بر معنای اول قائل معینی ندارد و فقط در تنها حدیثی که مستند شرعی مجازات «قواد» است، به آن تصریح نموده اند؛ اما اکثر فقها به دو قول آخر ملتزم شده اند. در ادامه بحث آراء برخی از فقها که به این دو نظر معتقدند، ذکر می گردد:

ث) مبارزه با فحشا و اشاعه فحشا در اسلام و قرآن

اشاعه فحشا در میان مومنان یکی از گناهان بزرگی است که در قرآن کریم وعده عذاب دردناک در دنیا و آخرت داده شده است (نور، ایه ۱۹). و این مطلب از اهمیت آن برای شارع مقدس به دلیل تاثیر ویران‌گر گسترش فحشا در جامعه اسلامی حکایت دارد. این همه اصرار و تاکید در آیه ۱۹ سوره نور فقط به خاطر این نبوده که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله یا شخص دیگری در پایه او، متهم شده است، بلکه در مورد هر کس و هر فرد با ایمان اگرچنین برنامه‌ای پیش آید تمام آن تاکیدات و اصرارها در مورد او صادق است، چرا که جنبه شخصی و خصوصی ندارد (مکارم شیرازی، ج ۱۴، ص ۴۰۳). در فرایند اشاعه فحشا چند عامل نقش دارند که از جمله آنها؛ مرتکب فحشاء، اشاعه دهنده و دوستدار اشاعه فحشاء در بین مومنان هستند. و آنکه به طور صریح در قرآن کریم به او وعده عذاب دردناک در دنیا و آخرت داده شده «دوستدار اشاعه فحشا» است. که با توجه به این نکته جایگاه «اشاعه فحشا» نیز روشن می‌شود. اسلام برای جلوگیری از شیوع فحشا در جامعه برنامه‌های دقیقی اعمال کرده است. مثلا در مورد عمل شنیع «زنا» می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (اسراء، ایه ۳۲) به این بسنده نمی‌کند و اگر از این مرحله تعدی صورت گرفت حکم آن را بیان می‌فرماید: الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ... (نور، ایه ۲) و برای این که این حکم مورد سوء استفاده قرار نگیرد می‌فرماید: وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور، ایه ۹) و در این مرحله اگر کمتر از چهار نفر بودند اصلا دم فرو بندند و الا اگر نتوانند ثابت کنند خود ایشان مجازات می‌شوند. برای اجرای حد می‌فرماید: «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور، ایه ۲) «و باید گروهی از مؤمنان، شاهد مجازات آن دو نفر باشند.» نه همه بلکه طائفه ای و نه هر طائفه ای بلکه از مومنین همه این احکام حساب شده برای عبرت، حفظ عفت و آبروی افراد و سلامت جامعه اسلامی است با توجه به مطالب فوق جایگاه «اشاعه فحشاء» که مقابل چنین برنامه سعادت بخشی است به خوبی روشن می‌شود.

اشاعه فحشا در بیان قرآن

«فحشا»، «فاحشه»، «فواحش» و اصطلاح «اشاعه فحشا» همگی از مشتقات «فحش» هستند و جمعا ۲۴ بار در قرآن کریم ذکر شده است. و به معانی: زشتی، زشت کاری، عمل خلاف عفت، کار بسیار زشت، عمل

ناپسند، زنا و لواط آمده است موضوع بحث ما که یک اصطلاح قرآنی است در سوره نور آیه ۱۹ قرار دارد که می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. برای کسانی که دوست دارند در باره مؤمنان تهمت زنا شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردآور مهیاست.»

اشاعه فحشا در قرآن کریم غالباً در مورد انحرافات جنسی استعمال شده است. اما هر گونه رفتار و گفتار زشتی را شامل می شود، آن چنان که برخی از مفسرین نیز گفته اند. افک از مصادیق آن است که در قرآن کریم آمده است؛ و آن تهمت منافقان به عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) است. اگر چه شان نزول در این آیه جریان افک است اما حکمی که در این آیه آمده اختصاص به افراد خاص یا زمان خاص ندارد.

ارتکاب فحشا و اشاعه آن در جوامع بشری، پیامدها و عواقب منفی زیادی به دنبال دارد که بیش تر آن ها برای انسان ها و جوامع مختلف اسلامی و غیراسلامی ثابت شده و در منابع دینی اسلامی نیز ضمن تشریح این مباحث هشدارهای جدی لازم داده شده است. برخی از این آثار فردی اند و برخی اجتماعی که با توجه به محدودیت بحث به بیان آن می پردازیم.

۱- از بین رفتن عفت عمومی

گناه علنی یا افشای گناه سبب شکسته شدن زشتی گناه در جامعه مومنین شده و عفت عمومی را از بین می برد و مقدمه ارتکاب گناه در بین افراد دیگر فراهم شده و عامل گسترش بی بند و باری و به فساد کشاندن جامعه خصوصاً جوانان می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۴۱۱).

۲- از بین بردن امنیت روانی

اگر منکرات خصوصاً فحشا در جامعه شایع شود امنیت روانی و حتی جانی به خطر می افتد و خانواده ای که بنیان آن برپاکی و صداقت و صمیمیت بود وقتی دائماً با مظاهر فساد و فحشا مواجه شد نیاز غریزی خود را از راه نامشروع برآورده می کند و این موجب سردی روابط خانوادگی شده و موجبات نگرانی های روانی را فراهم می کند. جوان محصلی که می خواست در محیطی امن به کسب علم پردازد با مواجه شدن با مظاهر فحشا اگر هم آلوده نشود باز از لحاظ روانی آرامش و امنیت خود را از دست رفته می بیند و دچار

انزوا، نگرانی و افسردگی می‌شود. و این مسائل تنها اندکی از پیامدهای روانی است و آنچه در پی خواهد آمد چه بسا سهمگین‌تر باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۴۱۲-۴۱۱).

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب بحث شده روشن گردید که شارع مقدس اسلام و مقنن و جرم‌شناسان ایران در جرم‌انگاری اماکن و مراکز فساد و فحشا، مبانی مستحکم و اصیلی را مد نظر داشته‌اند که مصالح و مفاسد و آسیب‌های واقعی و نفس‌الامری، پایه و اساس آن را تشکیل می‌دهد. دایره‌کردن و تصدی‌گری در اینگونه مراکز علاوه بر آثار زیان‌بار فردی، عواقب وخیم و خطرناک اجتماعی را نیز به دنبال دارد، و با آسیب‌رساندن به بهانه‌ارکان اساسی و حیاتی جامعه و متزلزل نمودن آنها و زیر پا گذاشتن مصالح عمومی، سلامت و صیانت اجتماع را در معرض تهدید جدی قرار می‌دهند؛ که در نتیجه موجب ایستایی و عدم رشد و بالندگی و تکامل جامعه می‌گردد؛ بلکه جوامع بشری را به قهقرا و نابودی خواهد کشاند. حفظ ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی، حفظ کیان خانواده، بقا و تکثیر نسل، حفظ سلامت انسان، جلوگیری از انحراف در فطرت و طبیعت، گناه بودن حضور در مجالس گناه، حرمت قیادت و نگهداری و فروش آلات قمار و مشروبات الکلی و دایره‌کردن مرکزی برای قمار و شرب خمر، اشاعه فحشا در بیان قرآن و... همگی ملاک‌ها و معیارهای اساسی و بنیادین هستند که قانون‌گذار حکیم جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران در جرم‌انگاری اماکن و مراکز فساد و فحشا به آن‌ها نظر داشته‌اند. از این رو جرم‌دانستن و توجیه دستگاه‌های قضایی و اجرایی برای برخورد و جلوگیری

از این گونه مراکز و اماکن، امری بدیهی و ضروری برای پیشرفت و تکامل یک جامعه اسلامی و ایرانی است و صرفاً اعتباری و تبعیدی نمی‌باشد، و با عنایت به قباحت و دنی‌بودن ذاتی آنها و مفاسد و ضررها و آسیب‌های نفس‌الامری که این مراکز به دنبال دارد، در هیچ شرایطی، نمی‌توان از آنها جرم‌زدایی کرد.

پیشنهادات

با عنایت بر اینکه جرم‌تاسیس اماکن و مراکز فساد در ردیف جرایم به عادت و سازمان‌یافته‌ای قرار گرفته، برخورد و مبارزه با آن نیازمند همکاری و تعامل بیش از پیش مردم با دستگاه‌های اجرایی و قضایی بوده

و بذل توجه بیشتر مراجع ذی صلاح و مستلزم اندیشیدن تدابیر تازه و یافتن راه کارها و چاره ای راهبردی لازم است. بنابراین پیشنهاد می گردد:

۱- در قانون مجازات اسلامی، عمل روسپیگری و تن فروشی، با در نظر گرفتن میزان صدمات و آسیب های این جرایم بر پیکره جامعه مدنی، جرم انگاری و برای آن مجازات تادیبی و باز دارندگی اجتماعی تعیین گردد.

۲- تشکیل «شورای آینده نگری» در استانها به منظور رصد، آسیب شناسی، پیش بینی و برنامه ریزی در خصوص ورود و سیمای مصرف فناوریهای جدید ارتباطی.

۳- حمایت از ایجاد تشکل های صنفی در خصوص زنان سرپرست خانواده جهت کارآفرینی، خودیاری و بهبود زندگی اقتصادی آنها و جلوگیری از بروز ناهنجاری های اخلاقی و فرهنگی در آنان.

۴- قانون گذاری به منظور تعیین وظایف نهادها و دستگاه های فرهنگی و غیر فرهنگی در فضای سایبر و احیاناً تشکیل نهادهای ضروری برای پیشگیری و مبارزه با آسیب های نوپدید مرتبط با فناوری های اطلاعات اقدام نماید.

فهرست منابع

- ۱- اسراء، ۱۷، ۷۰-۳۲.
- ۲- اعراف، ۷، ۸۰.
- ۳- انبیاء، ۷۴، ۲۱.
- ۴- بقره، ۲، ۳۰-۳۴-۲۱۹.
- ۵- روم، ۳۰، ۲۱.
- ۶- ص، ۳۸، ۷۵.
- ۷- عنکبوت، ۲۹، ۲۸.
- ۸- فرقان، ۲۵، ۷۲.
- ۹- مائده، ۵، ۹۰-۹۱.
- ۱۰- مومنون، ۲۳، ۱۴.
- ۱۱- نساء، ۴، ۱۴-۲۹.
- ۱۲- نور، ۲۴، ۲-۱۲-۱۹.
- ۱۳- برهانی، محسن، ۱۳۸۸، *سیاست جنایی ایرا در قبال روسپیگری*، علوم اجتماعی مطالعات راهبردی زنان شماره ۴۵، ۷-۴۲.
- ۱۴- تیماچی، مهدی، ۱۳۸۸، *بررسی و مبانی معیارهای جرم‌انگاری در جرایم مستوجب مجازات تعزیر و بازدارنده*، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ۱۵- جان، کاتینگهام، ۱۳۸۴، «*فلسفه مجازات*»، مترجمان: باطنی، ابراهیم و برهانی، محمد، فصلنامه فقه و حقوق، سال اول، شماره ۷.
- ۱۶- جنایی، محمد ابراهیم، ۱۳۹۱، *بررسی مبانی فقهی رجم ثبوتاً و اثباتاً*، مجله فقه، دوره ۱۷، شماره ۶.
- ۱۷- جرجاوی، علی احمد، ۱۹۹۷م، *حکمه السریع و فلسفه، تصحیح، خادالعطار بیروت: دارالفکر*، ج ۲.

- ۱۸- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۵، فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
- ۱۹- کبریتی کرمانی، محمدجواد، ۱۳۹۰، بررسی فقهی حقوقی مبانی جرم انگاری بزه های جنسی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۰- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، موسسه الوفا، چاپ دوم.
- ۲۱- مرزوقی، حجت، ۱۳۴۴ق، *شعله های فساد*، قم، انتشارات علامه.
- ۲۲- محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۵، *مجازات عمل منافی عفت در قرآن*، حقوق، شماره ۴۳، ۹-۵۸.
- ۲۳- محسنی دهگلانی، محمد، ۱۳۹۲، *بازجستی فقهی در ماهیت قوادی*، حقوق اسلامی، دوره ۱۵۱، ۱۴-۱۸۰.
- ۲۴- محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۰، *قواعد فقه*، تهران، ج ۴ و (مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیه، شماره ۱۳۷، چاپ: اول، ج ۱۴، ص ۴۰۷).
- ۲۵- محمدی جورکیه، علی، ۱۳۸۹، *سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی*، حقوق اسلامی، دوره ۷، شماره ۴۲، ص ۸۷-۱۲۲.
- ۲۶- مظفری، حسن، ۱۳۹۳، *مبانی جرم انگاری در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلامی*، فقه و اصول، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۲۳-۱۵۰.